

فرهنگ جامع
تماشاخانه‌های
ایران - جلد سوم

استان اردبیل

سرناسه:	حبیبیان، ناصر، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران / پژوهش و گردآوری ناصر حبیبیان، غزال رحمان پور، [برای] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل امور هنرهای نمایشی، انجمن هنرهای نمایشی ایران.
مشخصات نشر:	تهران، انتشارات نمایش، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	ج. م. مصور (رنگی)، جدول (رنگی)؛ ۲۹ × ۲۲ س. م.
شابک:	دوره ۸-۰۰-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۳۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۱-۵-۰۱-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۱۷۰۰۰۰ ریال، ج. ۲-۲-۰۲-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۱۷۰۰۰۰ ریال، ج. ۳-۹-۰۳-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۴۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۴-۴-۰۴-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸ : ۲۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۵-۳-۰۵-۶۲۴۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
مندرجات:	ج. ۱. استان آذربایجان شرقی، - ج. ۲. استان آذربایجان غربی، - ج. ۳. استان اردبیل، - ج. ۴. استان اصفهان، - ج. ۵. استان البرز
موضوع:	تماشاخانه‌ها - ایران
موضوع:	Theaters -- Iran
شناسه افزوده:	رحمان پور، غزال، ۱۳۶۰
شناسه افزوده:	ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل امور هنرهای نمایشی
شناسه افزوده:	انجمن هنرهای نمایشی ایران
رده بندی کنگره:	۱۳۹۷ ج ۲۳ الف ۹۸۴۰/۶۸۴
رده بندی دیویی:	۷۲۵/۸۲۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی لی:	۵۳۰۱۶۹۶

نمایش

انتشارات نمایش

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران - جلد سوم (استان اردبیل)

پژوهش و گردآوری: ناصر حبیبیان، غزال رحمان پور

زیر نظر: جلال تجنگی

مدیر هنری: مسعود نوروزی

عکس: غزال رحمان پور

گروه مهندسی نقشه: ایمان غلامی‌نژاد، علی اکبر ردایی، لیلا اسفینی فراهانی، امید قهرمانلویی

دیجیتال و رایانه: میثم صفوی

ناشر: انتشارات نمایش

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۴-۰۰-۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۴-۰۳-۹



تماشاگاه دان عالم سراسر

تماشائی بکن از وی تو بگذر

عطار

مقدمه

«طناتر» و معماری از هم سوا نیستند. «طناترون» مکانی برای دیدن و تماشاست. غفلت از معماری طناتر، غفلت از ذات طناتر است. بی‌توجهی به مکان اجرا، طناتر را از هویت و معنا تهی خواهد کرد. افزون بر این، معاصرانی امروز ما و مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم جلوه و عرضه‌ای از شیوه زیست و اندیشه ماست. بی‌ریشه بودن بسیاری از مطالعات و پژوهشهای تئاتر معاصر ایران، به دلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری نسبت به واقعیت‌های موجود است. در نبود داده‌های دقیق و جزئی‌نگر، اساس تحلیل‌ها چه مبنایی خواهد داشت و در چنین وضعی چگونه می‌توان درباره آسیب‌شناسی یا ساماندهی تئاتر کشور سخن گفت؟ برای درک وضع موجود تئاتر، و یا هر چه غیر تئاتر، جز رفتن، جستن و فیش‌برداریهای منظم چه می‌توان کرد؟ این کتاب کار، «پراکسیس» مشاهده و حضور، کار تئاتر را به بیراهه می‌کشاند. اساس این پژوهش بر مطالعه میدانی، داده‌پردازی و طبقه‌بندی است که یکی از اهداف اصلی آن کمک به شناخت شمایل راستین تئاتر معاصر ایران است.

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران تا کنون در ۲۲ جلد شامل استان‌های ایران کشور، صورت‌بندی شده و اینک، خوشبختانه یک به یک به زینت طبع آراسته می‌گردد. کار پژوهش این فرهنگ، بر اساس مشاهده و بازدید حضوری و به دلیل غلبه اطلاعات تالارهای نمایش در این استانها صورت گرفته است. نمونه این نوع پژوهش و شبیه به این، در کشورهای پیشرفته و صاحب تئاتر، متداول و مرسوم است و در انجام این کار نیز، به آن تجربیات، نگاهی گسترده شده است. امیدواریم کار چند استان باقی مانده نیز بزودی انجام و حاضر گردد. همچنین چون وضعیت تماشاخانه‌ها از نظر امکانات و تجهیزات، در تغییر و تحول است، لازم است تا در فواصل منظمی چون شش ماهه یا یکساله، این داده‌ها به روزآوری گردد.

۱ منشأ معماری و ساخت تالارهای موسوم به "چند منظوره" با اینکه اروپایی است اما معماری این شکل و هیكلی تقریباً متفاوت از آن منظور یافته است. سالن چند منظوره به نوعی از معماری اشاره دارد که ملهم از معماری تالارهای قاب‌عکسی و پروسنیو، ایتالیایی است. این تالارها تنها برای اجرای تئاتر ساخته نمی‌شود و سخنرانی، مراسم تودیع معارفه، جنگ و مناسبت‌ها، جشن و همایش و اجتماعات هم در آن بطور گسترده برگزار می‌شود. در گذشته و در اصل مضیقه بودجه و امکانات باعث بوجود آمدن چنین شکلی در معماری شده است اما باید اذعان داشت امروزه توجه بیشتر و در دستور ساخت قرار دادن بلک‌باکس‌ها، به جای صحنه‌های قاب‌عکسی، علاوه بر صرفه اقتصادی کارایی موثرتری در پی خواهد داشت.

تالارهای بلک‌باکس، به دلیل ایجاد ارتباط بی‌فاخر و امکان چیدمان‌های وسیع ترشسان برای طراحی صحنه، بسیار مورد توجه و استقبال هنرمندان هستند. علاوه بر این بلک‌باکس‌ها می‌توانند کارکرد چند منظوره هم داشته باشند و پاسخگوی نیاز برنامه‌های غیر تئاتری هم باشند. همین‌طور این نوع ساخت بلک‌باکس‌ها به مراتب زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود و برای هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگی هم کارایی بسیار بیشتری دارد. در حال حاضر به درصد تالارهای ساخته شده دولتی در کشور بصورت قاب‌عکسی هستند.

۲ تکیه دولت، نخستین تماشاخانه به شیوه جدید در ایران است که سال ۱۲۵۱ خورشیدی تأسیس شد. شش سال پس از آن، در سال ۱۲۵۷، تماشاخانه دارالفنون گشایش یافت. تئاترهایی که به سبک فرنگی اجرا می‌شد به هیچ وجه تماشاگر عام نداشت و تنها برای دربار و شاه اجرا می‌شد. مقارن همین زمان ارامنه تبریز، تهران و رشت هم در ساخت و بنای مکان‌های نمایشی پیشگام شدند اما همچنان تماشاگران آنها شامل عموم مردم نبود. هنگامه انقلاب مشروطه اجرای تئاتر در پارک و باغ و محوطه‌های باز بیش از پیش رونق گرفت. انقلابیون تئاتر را به میان عموم مردم کشاندند و از این پس تماشاخانه‌های خصوصی موج تازه‌ای از اجراهای تئاتر را پدید آوردند. تئاترهایی که تماشاگرانی از طیف‌های گسترده بدان راه یافته بود.

تأسیس "سالن تئاتر آرامیان" تبریز توسط موسیو آرامیان، "تئاتر ملی" در تهران توسط محقق‌الدوله، "تالار آوادیس" در رشت توسط آوادیس هوردانانیان مورد توجه و استقبال خاص و عام قرار گرفت. غیر از موارد معدودی، تا دههٔ چهل صاحبان تماشاخانه‌ها عموماً دولت و حاکمیت نبود و روند ساخت و ساز و تأسیس تماشاخانه‌ها بطور خصوصی ادامه داشت. با اینحال گاهی حمایت‌های پراکنده دولتی از بعضی تماشاخانه‌ها صورت می‌گرفت. اما برای نخستین بار سال ۱۳۴۴ خورشیدی تماشاخانه سنگلج (۲۵ شهروبر) توسط دولت ساخته شد و حتی هنرمندان و عواملی هم به عنوان کارمند به استخدام آن درآمدند. از این زمان هم شکل جدیدی از تئاتر و هم رویه تازه‌ای از تماشاخانه‌سازی در ایران بوجود آمد. نسل جدیدی از نماینده‌نویسان، کارگردانان و بازیگران با به عرصه گذاردن و متناسب با آن معماری تازه‌ای هم در سر و شکل تئاتر قوام یافت. تماشاخانه سنگلج هنوز هم جزو معماریهای کم‌نظیر تئاتر ایران است که معمار آن مهندس یوگنی آفتاندیلیان بود. او بعدها دو تالار مهم دیگر هم ساخت: تالار وحدت (رودکی) و تالار فخرالدین اسعد گرگانی (تئاتر گرگان). روند ساخت و ساز تئاترهای دولتی با تأسیس اداره تئاتر، تئاتر شهر و کارگاه نمایش ادامه یافت اما از سویی دیگر تئاترهای خصوصی بیشتر در انحصار برنامه‌دسته‌جات و گروه‌های موسوم به لاله‌زاری و کباب‌راهی درآمده بود. با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، تئاتر و تماشاخانه‌ها کمتر مجالی برای استقبال عموم یافت. این وضعیت تا چند سال بعد و بازسازی ویرانی‌ها هم ادامه یافت. در این مدت و طی دهه ۶۰ و ۷۰ برگزاری جشنواره تئاتر فجر سهم بسزائی در رونق و حیات تئاتر داشته است. چند سالی است که روند ساخت و ساز تماشاخانه‌های خصوصی و دولتی سرعتی بیش از گذشته یافته است.

بیش از ۹۰ درصد یافته‌های این پژوهش، میدانی است و باقی آن با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و مراجع معتبر تهیه شده است. یافته‌ها شامل معرفی کلیه آمفی‌تئاترها و سالن‌های موجود در شهرهای مختلف ایران است که بصورت فعال و یا غیرفعالند که در حال حاضر در دسترس عموم قرار دارند و یا دسترسی به آن برای عموم ممکن است و به ویژه قابلیت اجرای تئاتر دارند. در معرفی به انضمام نقشه تماشخانه‌ها، اطلاعات رقمی هر سالن و تصاویر از نماهای عمومی و جزئی آن است. این امکان معمولاً زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پرورشی، آموزش و پرورش، بخش خصوصی و یا نهادهای دانشگاهی هستند. اما غیر از این، نهادهایی دیگر نیز بعضاً واجد سالنهایی برای اجرای تئاتر هستند؛ نهادهایی غیر دولتی، احمر، سپاه، بسیج، استانداری و فرمانداری. عموم اماکنی که در شهرهای مختلف مشهور به اجرای تئاتر هستند و گروه‌های تئاتری در آن اجرا داشته‌اند زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند و از این نظر این پژوهش دربرگیرنده اطلاعات دقیق تمامی این اماکن است. پس از این شهرداری‌ها و آموزش و پرورش و اماکن محلی به سبب در اولویت موضوع قرار دارند. به دلیل آنکه سالنهای زیرمجموعه آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی عموماً برای استفاده دانش‌آموزان و دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند دسترسی دیگر نهادها و عموم مردم به آنها کمتر امکانپذیر است. با این وجود این نهادها نیز چنانچه آمفی‌تئاترهایشان واجد امکانات موثری بوده مانع پژوهش در آنها نگردیده و از قلم نیفتاده‌اند. به سخن دیگر، گرچه پژوهش حاضر دربرگیرنده اطلاعات جامع تمامی تالارهای فعال در زمینه نمایش کشور است با اینحال در بسیاری موارد تالارهای غیرفعالی که امکان تهیه اطلاعات جامع و دقیق از آنها وجود داشته نیز غفلت نشده و به گسترده‌ی پژوهش افزوده است.

گزارش‌ها درباره معماری، ابزار و وسایل کاملاً با دقت ثبت شده و مربوط به معین است که در همان روز و ساعت بازدید مشاهده شده است. مثلاً مواردی نظیر تعداد پرزکتورهای شبکه نورخان و یا منابع نوری سالم همواره در معرض تغییر است. گاهی ممکن است دیمر بنا به دلایلی موقتاً در دسترس نبوده باشد. به همه این موارد اشاره شده و هدف این بوده تا تصویری شفاف از همان وضعیت مشاهده شده به نظر محاسب برسد. اول هر بخش مقدمه‌ای مبسوط درباره حفظ و نگهداری و راهنمای تماشخانه‌ها و اصطلاحات معمول آمده است. پس از آن مقدمه‌ای کوتاه درباره موقعیت جغرافیایی استان و وضعیت تئاتر و تماشخانه‌های آن، فهرست تالارهای هر استان، چه فعال و چه غیرفعال، آمده که این فهرست بر اساس جروف الفبا به ترتیب نام شهرستانها منظم شده است. در هر استان ردیفهایی که با رنگی، غیر از رنگ زمینه برجسته شده نشان دهنده آن است که در صفحات بعد بطور مشروح و مبسوط بدانها پرداخته شده و این یعنی تالارهای فعال و همچنین عموم تالارهایی که پیش از این فعال بوده‌اند و یا قابلیت فعالیت دارند اما تا کنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و در این زمینه پتانسیل‌های بالقوه را روایت می‌شوند. اطلاعات جامع هر تماشخانه شامل چهار بخش است: داده‌های توصیفی، رقمی، تحلیلی، کلی و جزئی هر تالار. در عکاسی از فضاهای داخلی و خارجی برای آنکه تصویری جامعیت، دید طبیعی چشم انسان، نزدیک‌تر باشد و ماهیت مستندگونه آن حفظ شود از لنز واید بهره‌برداری شد و برای عموم تصاویر از لنز نرمال استفاده گردید. تصاویر شامل نمای کلی و جزئی و زوایای مختلف تالار تماشا و صحنه، سقف صحنه، اتاق فرمان، سقف سالن تماشا، سالن انتظار و نمای بیرون تالار، بالکن، پشت صحنه و امکانات فنی است. تصاویر جزئی هم عموماً این اطلاعات قابل مشاهده و برداشت خواهد بود: پوشش کف و دیوارها، اتاق گرم و فضاهای اضافی پشت صحنه، موقعیت اتاق فرمان، موقعیت صحنه، یکتا بودن پروژکتور و پرده نمایش، موتور مکانیکی پرده، چیدمان صندلی و میلمان تالار، سیستم خنک‌کننده و گرمایش، تجهیزات آتش‌نشانی، پلکان‌ها، راهروهای سالن تماشا، نور و میکسر صدا و امکانات خاصی نظیر درب ویژه دکور و راهروی پشت صحنه؛ نقشه ترسیمی تالار و پلان شماتیک هم بخشی دیگر از اطلاعات تصویری است؛ نقشه ترسیمی، بیشتر به مراد استفاده کنندگان اهل هنر تهیه شده تا مثلاً به طور ویژه معماران و مهندسان عمران. پلان شماتیک هم برای معرفی کلیت فضای صحنه و تالار و ورود و خروجها آورده شده. پلانهایی که ترسیم شده، عموماً پلانهایی است که با مراجعه حضوری گروه پژوهش در داخل تالار برداشت شده و این با نقشه معماری ساختمان و یا تالار ممکن است تفاوت داشته باشد. نقشه معماری در اینجا منظور نقشه‌ای است که ساختمان یا تالار بر اساس آن ساخته شده است. این نقشه‌ها ممکن است توسط پیمانکاران، بنا بر ملاحظات، هنگام ساخت بنا، بطور دقیق، اجرا نشده باشد. بنابراین اندازه‌ها و ابعادی که پلانهای این کتاب بر اساس آن ترسیم شده مربوط به پس از ساخت و احداث سالن است و بر اساس وضعیت موجود و شکل فعلی و اجراشده تالارهاست. در مواردی نظیر تالار فخرالدین اسعد گرگانی به واسطه ارزش تاریخی و دقت کم‌نظیر معماری آن، همان نقشه و پلان اصلی معماری آورده شده است.

تا کنون اطلاعاتی با جامعیت و به صورت طبقه‌بندی شده از تماشخانه‌های کشور وجود نداشته است. تنها کتاب در این زمینه همان «تماشخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹ خورشیدی» بوده است که توسط انتشارات افراز، ۸ سال پیش منتشر شد. در به ثمر رسیدن این اثر، تلاش گروه مهندسان نقشه و دقت چشم‌فرسای مسعود نوروزی در گرافیک و صفحه‌آرایی سهمی به‌سزا داشته است. در همه مراحل انجام کار، نگاه دقیق و شکیبایی آقای جلال تنجنگی همراه اثر و گروه پژوهش بوده و بسیار مؤثر واقع شده است. لطف بی‌مضایقه مجید داخ در تهیه فهرست اولیه تالارها بسیار کمک‌رسان بود. انجام این پژوهش اگر با حساسیت و درایت آقای مهدی شفیعی، مدیر کل سابق هنرهای نمایشی نبود، شاید هیچگاه به ثمر نمی‌رسید. آقای ارمان بهداروند، مدیرعامل سابق انجمن هنرهای نمایشی ایران و آقای اتابک نادری، مسئول امور استانهای اداره کل هنرهای نمایشی سنگ تمام گذاشتند. در به نتیجه رسیدن این اثر، همراهی صمیمانه آقای شهرام کرمی، مدیر کل هنرهای نمایشی ایران و حمید نیلی مدیرعامل فعلی انجمن هنرهای نمایشی ایران بسیار راهگشا بوده و هست. و با سپاس فراوان از مهدی حاجیان، لیلی غفاری، علی ایزدی، لیلا پاشاپور، فاطمه عزتی‌نژاد، جواد مستخدمی، لیلا مینایی، فاطمه عسگر بیوکی، روح‌اله ایرجی و قدردانی از آقای نصراله قادری، مدیر انتشارات نمایش و آقای علیرضا لطفعلی و سایر همکاران محترم این انتشارات که در چاپ و نشر این اثر، بی‌دریغ کوشیدند.